

سرمایه داری ایران و حکم گرسنگی و مرگ زنان افغان

کمیته هماهنگی

دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۸

دولت سرمایه داری ایران هر نوع اشتغال زنان افغان برای هر نوع کار در هر کجای ایران را ممنوع اعلام کرده است. بر اساس مصوبه جدید دولت، کارفرمایانی که نیروی کار زن افغان را بخرند ۴۴ هزار تومان جریمه می شوند و در صورت تکرار مجبور به پرداخت جرائم سنگین تری خواهند شد. صدور این حکم مالا مال از ستم بر زندگی توده عظیم کارگران افغان در ایران اگر چه تازگی ندارد اما نشان از تهاجمی بازهم سهمگین تر از سوی عوامل دولتی سرمایه برای متلاشی کردن بیش از پیش شیرازه زندگی این جمعیت انبوه داغ لعنت خورده و نفرین شده طبقه کارگر بین المللی دارد. کارگر افغان در ایران دهه های متوالی است که به نماد مطلق سیه روزی، ذلت پذیری، تحمل زبونی و حقارت و همه نوع نکبت و بدبختی تبدیل شده است. هر چه کار شاق و سنگین و کشنده است بر سینه او بار می گردد، نیروی کار او همه جا حراج است و فروش آن در گرو تسلیم مطلق وی به هر بهای محقر آکنده از مذلتی است که سرمایه دار در نهایت سفاکی به میل خود تعیین می کند. شرایط کارش جهنم توحش سرمایه و گندزار بدترین سلاخی ها است. محل سکونتش غارهای ماقبل تاریخ و دخمه های جذامیان اعصار باستان است. او همه جا تحت پیگرد اشرار تبهکار سرمایه است. زنده بودن او جرمی عظیم و غیرقابل بخشش است. او تا آنجا حق زندگی دارد که محمل دست سرمایه برای خرید هر چه شبه رایگان تر نیروی کار همزنجیرانش باشد. او آواره همیشه تاریخ و نقطه نقطه جهان است. رگبار پرسموم اتهامات از شش گوشه زمین به سینه او شلیک می شود. قربانی بدون هیچ قید و شرط هر شرارتی است که هر شریری مرتکب می گردد. فرزندانش از هر نوع حق انسانی، حق آموزش، حق احساس انسان بودن، حق دوا و دکتر و درمان، حق احساس همنوعی با همسالان، حق سیر بودن شکم، حق داشتن آب آشامیدنی و حق هر چیز انسانی دیگر محرومند. در یک کلام در پایین ترین لایه جهنم سراسر گند و وحشت و خون سرمایه محکوم به تحمل تمامی فجایع و جنایات و سببیت ها و کارگرکشی هایی است که در ذات سرمایه نهفته است. بخش عظیمی از سرمایه سرمایه داران ایران را او تولید کرده است و در تمامی دقایق و آنات تولید این سرمایه ها تحت پیگرد پلیس و نیروی سرکوب دولت سرمایه بوده است. کارگر افغان دهه ها است که این چنین خوار و زبون و حقیر آماج بدسگالی و ددمنشی سرمایه قرار گرفته است. دولت سرمایه داری هیچ روزی نیست که این توحش را علیه او تکمیل نکند و دامن نزند. اعلام جرم بودن فروش نیروی کار کارگر زن افغان در زنجیره تشدید و توسعه هر چه بیشتر این جنایات صورت می گیرد. وظیفه مفروض و قطعی کارگر ایرانی است که به حمایت از این نفرین شده ترین بخش طبقه خود برخیزد. توده کثیر کارگران افغان تکه انداموار طبقه اجتماعی ما هستند. هر نوع تعرض به آنان تعرضی مستقیم و یگراست به شیرازه حیات طبقه ما است. سرمایه داران، عمال دولتی سرمایه و از جمله تشکل های ضدکارگری دولت سرمایه داری از نوع خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار با تمامی شرارت و سببیت خود تلاش دارند تا ما را به جان هم اندازند، تا کارگر افغان را علت بیکاری

های چندین میلیونی ما معرفی کنند، تا به نام حق اشتغال ما حکم آوارگی و اخراج کارگران افغان را صادر کنند. ما و کارگران افغان و توده چند میلیاردی فروشنده نیروی کار در سراسر جهان طبقه ای واحد و جهانی هستیم. ملت و ملیت و تابعیت ملی دروغ های کثیفی است که سرمایه داران به هم می بافند تا ما را به جان هم اندازند. کارگران افغان دشمنان ما نیستند. این سرمایه داران و دولت آن ها هستند که در هر کجای جهان و متعلق به هر شهر و دیار باشند دشمنان آشتی ناپذیر طبقه ما هستند. ما باید با تمامی توان خویش از حق زندگی و کار و همه حقوق کارگران افغان دفاع کنیم و ترفندها و توطئه های شوم سرمایه داران و دولت آن ها را علیه این کارگران خنثی سازیم.

منبع: بی بی سی فارسی

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۸

www.hamaahangi.com

khbitkzs@gmail.com